



The Methodology of Understanding and Extracting Management Principles from the Quran *

Amirali Lotfira¹ and Mohammad Ali Rezaei Esfahani² Seyyed Mohammad Hossein³

Abstract



This article is formulated to address the question of what are the correct methods or methodologies for interpreting management principles from the Quran, and whether it is possible to propose a new and correct method for accessing the serious intention of divine management. So far, various methods have been proposed for extracting, deducing, and interpreting management points and indications among general interpretations and through various approaches. Practical approaches for analyzing managerial verses of the Quran are presented in the form of a managerial perspective on divine verses, and discovering the systems and managerial theories of the Quran, which can be presented in sequential, thematic, interdisciplinary, and comparative methods. In this paper, using a descriptive-analytical method based on the foundation of revelation as a rational and strategic act, and considering the 4-faceted nature of approaches and directions in revealing verses, the terminologies and phrases of the verses and chapters are explained in a devotional-analytical and systemic-network manner. Based on this network, a set of managerial concepts and propositions is formed, and the relationships between concepts and propositions are discovered, ultimately extracting the meanings, purposes, and rationales of managerial verses.

Keywords: Managerial Interpretation, Methodology, Management, Strategic Planning, Quran.

*. **Date of Receiving:** 13/01/2022, **Date of Approving:** 09/12/2023.

1. Collaborating Professor, Al-Mustafa International University: hamdrahmat@gmail.com.

2. Professor & Dean of Quran and Hadith Higher Institute, Al-Mustafa International University: rezaee.quran@gmail.com.

3. Specialized Doctorate in Quran and Sciences, Al-Mustafa International University (Corresponding Author): hv_1355@yahoo.com.



مقاله علمی - پژوهشی

روش فهم و برداشت مدیریتی قرآن کریم*

امیرعلی لطفی^۱ و محمدعلی رضایی اصفهانی^۲ و سید محمدحسین وحیدی^۳



چکیده

این مقاله در راستای پاسخگویی به این پرسش تدوین شده است که چه روش یا روش‌های صحیحی برای تفسیر مدیریتی قرآن وجود دارد؟ و آیا می‌توان با توجه به روش‌های رایج تفسیری، روشی جدید و صحیحی برای دسترسی به مراد جلدی مدیریتی خداوند ارائه کرد؟ تاکنون استخراج، استنباط و برداشت نکات و اشارات مدیریتی در میان تفاسیر عمومی و به روش‌های مختلفی ارائه شده است. رویکردهای کاربردی برای تحلیل آیات مدیریتی قرآن کریم در قالب نگاه مدیریتی به آیات الهی و کشف نظام و نظریه‌های مدیریتی قرآن کریم است که به روش‌های ترتیبی، موضوعی، میان‌رشته‌ای و تطبیقی قابل ارائه است. در این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی، براساس مبنای تلقی وحی به عنوان فعل تدبیری حکیمانه و چهاروجهی بودن رویکردها و جهت صدور آیات، به تبیین مفردات و عبارت‌های آیات و سوره‌ها به صورت تعبدی - تحلیلی و همچنین سیستمی - شبکه‌ای پرداخته شده و براساس آن شبکه‌ای از مفاهیم و گزاره‌های مدیریتی تشکیل و روابط بین مفاهیم و گزاره‌ها کشف و در نهایت معانی، مقاصد و مدالیل مدیریتی آیات استخراج می‌شود.

واژگان کلیدی: تفسیر مدیریتی، روش شناسی، مدیریت، تدبیر، قرآن کریم.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۳ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۹/۱۸.

۱. استاد همکار جامعة المصطفی ص العالمية: hamdrahmat@gmail.com.

۲. مدیر مجتمع عالی قرآن و حدیث، استاد جامعة المصطفی ص العالمية: rezaee.quran@gmail.com.

۳. دکتری تخصصی رشته قرآن و علوم، جامعة المصطفی ص العالمية [از افغانستان] (نویسنده مسئول): hv_1355@yahoo.com.



مقدمه

آشنایی با تحولات جدید در دانش روز، سبب تغییراتی در زمینه «رویکردهای تفسیری»، «محتوا» و «روش» مفسران قرآن کریم شده است. آشنایی مسلمانان با دنیای جدید باعث شد آنها تعارض میان «سنت گذشته» و «فرهنگ جدید» را احساس کرده و تلاش کنند در برابر ارزش‌ها و داده‌هایی که از دنیای مدرن می‌گرفتند «سنت» را حفظ و سازگار سازند. در همین رهگذر آثار جدیدی در زمینه تفسیر قرآن کریم تألیف گردید. در این گونه تفاسیر هرچند از حیث محتوا و روش باتوجه به تغییرات دنیای جدید، تغییراتی حاصل شده بود؛ لیکن محوریت قرآن کریم همواره محفوظ ماند.

رویکرد مدیریتی به تفسیر قرآن کریم در راستای پاسخ به پرسش‌های فراوانی است که ذهن مفسران جدید را می‌تواند به خود مشغول دارد. از جمله اینکه دیدگاه قرآن کریم راجع به مسائل دانش مدیریت چیست؟ باتوجه به ویژگی جامعیت و جاودانگی قرآن کریم، آموزه‌های مدیریتی قرآن چیست؟ ویژگی‌های مدیران کارآمد از دیدگاه قرآن چیست؟ و...

پاسخگویی به این گونه مسائل نیازمند روشی جدید و رویکردی نو به آموزه‌های الهی است که نیاز به آن در بین اندیشمندان مسلمان احساس می‌شود.

روش‌های پژوهش‌های میان‌رشته‌ای که از جمله آنها قرآن و مدیریت است باتوجه به نداشتن پیشینه و جدیدبودن آنها، از سوی دانشمندان چندان مطمع نظر نبوده است. کتاب «دانش مدیریت در قرآن»، اثر سیدصمصام‌الدین قوامی، «قرآن، مدیریت و علوم سیاسی»، اثر محسن عباس‌نژاد، «الاصول الادارة من القرآن و السنة»، اثر جمیل جودت ابوالعینین، از جمله آثاری است که تا حدی در این راستا گام برداشته‌اند.

تفسیر مدیریتی تجربه جدیدی در عرصه قرآن و مدیریت است تا با ارائه آن، قرآن کریم را به عرصه عموم جامعه وارد کرده، به دیدگاه‌ها و نظریات مدیریتی قرآن کریم رهنمون شده، پیام‌های مدیریتی آن را به جهانیان بشناساند. اولین گام برای ارائه این تفسیر، انتخاب روشی کارآمد در این راستا است تا بتوان در سایه آن به مداخلات مدیریتی قرآن کریم دست یافت. در این مقاله سعی بر ارائه روشی کارآمد برای این مهم شده است و در آن باتوجه به مبانی وحی به عنوان فعل تدبیری حکیمانه و چهاروجهی بودن رویکردها و جهت صدور آیات، مفردات و عبارات آیات مورد بررسی قرار گرفته و با دستیابی به گزاره‌های مختلف مدیریتی به صورت شبکه‌ای تنظیم و روابط بین آنها کشف و معانی، مقاصد و مداخلات مدیریتی استخراج گردد.

یک. مفهوم‌شناسی

۱. حکیم

حکیم مشتق از «حکم» که در اصل به معنای منع و بازداشتن جهت اصلاح است و از صفات مشترک لفظی بین انسان، خداوند و قرآن است. حکمت در مورد خداوند متعال، شناسایی اشیاء و ایجاد آنها در نهایت استواری و دقت، در مورد انسان، یعنی شناختن موجودات و انجام نیکی‌ها و خیرات (راغب صفهانی، المفردات فی غریب القرآن، بی تا: ۲۴۹/۱) و حکمت قرآن برای این است که حکمت در آن جای گرفته و عبارت است از معارف حقیقی و فروع آن از شرایع و عبرت‌ها و مواظ (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۹۰/۱۷)

در حقیقت، حکمت خداوند بیشتر ناظر به جنبه‌های عملی افعال الهی بوده و مفهومش این است که خداوند قوانینی ایجاد کرده است که مصداق نظام احسن است (مکارم شیرازی، پیام قرآن، ۱۳۸۶: ۱۰۶/۴). قرآن کریم نیز خود را در پنج آیه (آل عمران/۵۸؛ لقمان/۲؛ زخرف/۴؛ یس/۱) با این صفت، وصف فرموده است. حکمت معمولاً صفت شخص زنده عاقل است. گویی قرآن را موجودی زنده و عاقل و رهبر و پیشرو معرفی می‌کند که می‌تواند درهای حکمت را به سوی انسان‌ها بگشاید (مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ۱۳۶۲: ۳۱۵/۱۸).

حکیم بودن خداوند به دو معناست: اولاً به معنای شناخت اشیاء که مقصود صدور و خلقت اشیاء به نحو اکمل و اتم است، ثانیاً به معنای اتقان و دقیق بودن و در نهایت کامل بودن افعال الهی؛ یعنی خداوند حکیم است به این معنا که تمام کارهایش در نهایت کمال، ظرافت و دقت است (طوسی، کشف المراد فی تجرید الاعتقاد، ۱۳۷۲: ۴۱۵-۴۱۶)؛ لذا خداوند چون عالم بالذات به همه چیز بوده و علل و اسباب آنها را نیز به نحو کامل می‌شناسد، در خلقت خود کوچک‌ترین نقطه ضعفی ندارد. چون ضعف و نقص در خلقت و افعال از عدم آگاهی و قدرت ناشی می‌شود که از خداوند به دور است. قرآن کریم نیز چون از افعال ذات باری تعالی است، از صفت حکمت برخوردار بوده و یکی از افعال حکیمانه خداوند است.

۲. مدیریت

مدیریت در لغت، مصدر جعلی، به معنای اداره کردن، چرخاندن، به جریان انداختن و رساندن است (باقرالموسوی، مدیریت و نظام اداری از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، ۱۳۸۴: ۳۳)؛ اما با توجه به واژه انگلیسی آن (Administer) به معنای خدمت کردن است؛ یعنی خدمتی که شخصی برای شخص دیگر ارائه می‌کند. در اصطلاح، برای مدیریت به عنوان یک دانش، تعاریف متعددی صورت گرفته است،



از جمله هنر انجام امور به وسیله دیگران (الوانی، مدیریت عمومی، ۱۳۹۰: ۱۱)؛ که در این تعریف بر کارکرد دیگران و قبول هدف از سوی آنان تأکید شده است (کونتز و همکاران، اصول مدیریت، ۱۳۸۵). برخی دیگر بر نقش‌های مدیر از دیدگاهی تازه‌تر نگرینسته و برای مدیر، وظایف و نقش‌هایی چون رهبری سازمان، منبع اطلاعاتی و عامل تصمیم‌گیری و روابط با سایر سازمان‌ها را برشمرده‌اند (همان). هماهنگ‌سازی منابع انسانی و مادی در جهت تحقق هدف‌ها (Rznzvyg, Management is coordination of human and material resources in order to achieve the Goals, 1974)؛ فراگرد هماهنگ‌سازی فعالیت‌های فردی و گروهی در جهت هدف‌های گروهی (Donnelly et al, Management is process integrates individual and group activities in the goals of the Forrester, 1971 group)؛ فراگرد تبدیل اطلاعات به عمل (Management is the process of converting information into action. This process may be called Decisions, 1962)؛ فعالیتی منظم در جهت تحقق هدف‌های معین از طریق ایجاد روابط میان منابع موجود، انجام‌دادن کار با مشارکت افراد دیگر و شرکت فعال در تصمیم‌گیری‌ها (علاقه‌بند، مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی، ۱۳۸۴: ۱۰)، نیز از جمله تعریف‌های مدیریت است؛ لکن وجه مشترک همه تعاریف «هنر یا علم اداره یک مجموعه، جهت نیل به هدف‌های سازمانی» است (پهلوانی، واکاوی نقش و خصوصیات رفتاری مدیران دینی در تعالی بخشی اخلاق کاربردی اجتماعی از دیدگاه قرآن و حدیث، ۱۴۰۲، ۱۱۴).

۳. تدبیر

از جمله واژگانی که در آیات قرآن کریم بر مدیریت دلالت دارد، واژه تدبیر است. برای «تدبیر» معانی بسیاری ذکر شده است که البته با یکدیگر منافات، تضاد یا حتی اختلافی ندارند. تدبیر در لغت به معنای به پایان کاری اندیشیدن، اندیشیدن، مشورت‌کردن، پایان‌بینی، شور، مشورت (دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۷۳: ۴۹۸/۱۴)؛ نیکو اندیشیدن، برای انجام‌دادن امری، فکر و دقت به‌کاربردن و توجه‌کردن (عمید، فرهنگ عمید، ۱۳۸۴: ۵۹۶/۱)؛ و راهکار، چاره‌اندیشی (پاکروان، فرهنگ فارسی سره، ۱۳۹۴: ۸۳) است. همچنین این واژه در زبان عربی به معانی تصمیم، جهاز، حيلة، خطة، مستشار، مکیده و أجراء (مهیاری، فرهنگ ابجدی، ۱۳۷۵: ۲۱۸) آمده است. راغب اصفهانی، درباره معنای تدبیر و تدبیر نوشته است: «التدبیر التفكير فی دبر الامور (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، بی‌تا: ۳۳۶/۱)» و تفکر به معنای خود فکرکردن است درباره چیزی که انسان می‌تواند به آن برسد. معنای تدبیر را فکرکردن و حالت تفکرداشتن در عاقبت امور می‌دانند. تدبیر و تدبیر از ریشه «دَبَر» گرفته شده و به مفهوم اندیشیدن در پشت و ماورای امور است؛ لذا تدبیر عبارت است از اندیشه در جریان امور و با نظر به مواد آن، دقت و تحقیق در آینده امور را در برمی‌گیرد.

اهمیت تدبیر و تدبّر در جریان حیات، به اندازه‌ای است که در آیه «فَالْمُذَبَّرَاتِ أُمُراً» مورد سوگند قرار گرفته است؛ زیرا عظمت موضوعی که شایستگی سوگند را دارد، خود فعالیت عقلانی تدبیر است. تدبیر در مورد خداوند، نوعی آفرینش است؛ یعنی همان کسی که خالق است، مدبّر مخلوقات نیز است. همبستگی میان خالقیت و ربوبیت الهی، از برخی آیات قرآن نیز قابل استفاده است. در قرآن کریم واژه‌هایی مانند قیوم، رب، امر و ولایت نیز به‌طور ضمنی به همین معنا به‌کار رفته‌اند (ابن‌منظور، لسان العرب، ۱۴۰۸: ۴۰۷/۱۵).

براساس آیات الهی، علم و آگاهی، لازمه حتمی برای تدبیر و مدیریت است (انعام/۸۰). توصیف رب در آیه ۸۳ سوره انعام به علم و حکمت، گذشته از دلالت آن بر علم و حکمت خداوند، اشاره‌ای به ضرورت وجود این دو در تدبیر و مدیریت می‌تواند باشد. در نتیجه تربیت انسان‌ها و تدبیر امور آنان، از اهداف نزول قرآن است. کلمه «رَبِّکُمْ» در آیه سوم سوره اعراف اشاره به این دارد که نزول قرآن برای تربیت و تدبیر امور مردم است. قرآن کریم گزارش مدیریت الهی بوده و حاوی قوانین و قواعد برای مدیریت هستی است.

دو. چهارچوب نظری

الف. تلقی وحی به‌عنوان فعل تدبیری حکیمانه

در این برداشت وحی به‌عنوان فعل تدبیری حکیمانه خداوند (معنادار، کارآمد و غایتمند) معرفی می‌شود که این مسئله اولین مبنای فلسفی برداشت‌های مدیریتی از قرآن است.

۱. معناداری فعل وحی

وحی به‌عنوان یک پدیده عینی (نه اعتبار و توهم) است که این پدیده عینی از سویی الهی بوده و از سوی دیگر انسانی است. به این معنا که هنگامی که به مبدأ فاعلی آن نگریسته شود یک پدیده الهی بوده (غافر/۲) «و زمانی که به مبدأ غایی و یا قابلی آن توجه شود، پدیده‌ای انسانی است (یونس/۵۷)؛ لذا مبدأ وحی، خداوند و غایت آن انسان است.

در حوزه انسانی نیز جهت‌گیری وحی هم به سمت اندیشه است (ابراهیم/۵۲؛ بقره/۲۳۱) «و هم به جهت رفتار انسانی (صافات/۳۹)؛ لذا توصیف «کتاب» به حکیم (لقمان/۲) یا به‌خاطر استحکام محتوای آن است؛ چراکه هرگز باطل به آن راه نمی‌یابد، هرگونه خرافه را از خود دور می‌سازد، جز حق نمی‌گوید، جز به راه حق دعوت نمی‌کند و در یک کلام «صدق الحديث» است. یا به معنای آن است



که این قرآن همچون دانشمند حکیمی است که در عین خاموشی با هزار زبان سخن می گوید، تعلیم می دهد، اندرز می گوید، تشویق می کند، انذار می نماید، داستان های عبرت انگیز بیان می کند و خلاصه به تمام معنا دارای حکمت است. البته هیچ مانعی ندارد که هر دو معنای «حکمت» در آیه فوق منظور باشد (مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ۱۳۶۲: ۹/۱۷) که هر دو جهت گیری در نهایت به هدفی مشترک نائل خواهد شد که کمال نامیده می شود.

الهی بودن پدیده یعنی وحی برداشت های پیامبر و ساخته ایشان نیست (لقمان/۲؛ الحاقه/۴۴-۴۶)؛ بلکه لفظ و معنا توقیفی بوده و از سوی خداوند متعال نازل شده است. از لحاظ هستی شناسی نیز وحی، جزء واقعیت ها و حقایق نفس الامری است؛ یعنی وجود آن به وجود انسان بستگی ندارد، چه انسان وجود داشته باشد و چه وجود نداشته باشد، این حقیقت موجود است. به عبارتی دیگر معرفت تابع وجود انسان است؛ ولی وحی خود وجود خارجی دارد.

نمود حکمت آیات الهی در عرصه رفتار سازمانی انسان در سه سطح قابل تصور است:

۱. افراد و انسان های خارجی (پدیده انسانی)؛

۲. جامعه انسانی به عنوان یک پدیده عینی (پدیده اجتماعی)؛

۳. سازمان به عنوان یک واقعیت عینی (پدیده مدیریتی).

درواقع پیش فرض ما بر این است که جهت گیری هدایتی آموزه های الهی یا جهت گیری تدبیری وحی به سمت فرد، جامعه و سازمان است. جامعه و سازمان نیز نمودهایی از انسانند؛ یعنی این دو نیز به لحاظ هستی شناسی یک پدیده انسانی به شمار آمده، دارای شخصیتی حقوقی هستند. مبدأ غایی وحی نیز انسان است و اگر کسی این مبنا را نپذیرفته و وحی را مختص انبیاء و اولیای الهی بداند، اختلاف مبنایی صورت گرفته و بحث آن در این مقوله یعنی استخراج پیام های مدیریتی با این متد نخواهد گنجید.

اگر جامعه به عنوان یک واقعیت و پدیده انسانی پذیرفته شده و از طرفی نقش هدایتگری وحی را قبول کنیم، باید در این چارچوب پیام های مدیریتی قرآن استخراج شود. اگر سازمان پدیده انسانی است، پس پیام های مدیریتی در سطح سازمان باید وجود داشته باشد و هدایتگر و تضمین کننده حیات سازمان باشد. مبنای وحی الهی فعل تدبیری و حکیمانه خداوند شامل دو بخش است که باید به اثبات برسد.

یکم. تدبیری بودن فعل وحی

اولین بخش از این مبنا راجع به تدبیری بودن فعل وحی الهی است و از آنجایی که وحی از دو بخش ساختار و محتوا تشکیل شده است، تدبیری بودن فعل وحی نیز در دو حوزه قابل طرح است. ساختار وحی از مفردات کلمات شروع شده و سپس به صورت عبارات، آیات، سوره‌ها ارائه شده است. تمام ساختار دارای ماده و هیئت و نظام ترتیب و ترتب خاص هستند. وحی الهی در قالب ساختار فوق دارای نظم و روابط منسجم هستند (نساء/۸۳)». در به کارگیری کلمات، مفردات، عبارات، آیات و سوره‌ها و چگونگی سازمان یافتن، ترتیب و ترتب آیات، استخدام و چگونگی به کارگیری آنها، جهت گیری تدبیری حکیمانه خداوند نهفته است. این جهت گیری از سوی خداوندی است که تمام افعال او تدبیری و مطلق بوده و متصف به صفاتی مانند علیم مطلق، خبیر مطلق و... است؛ به بیانی دیگر، فعل وحی، فعلی آگاهانه و هدفمند بوده و قصد و غرضی آگاهانه از سوی فاعل حکیم مطلق در به کارگیری آنها در کار بوده است.

محتوای آیات از مسئله، موضوع، حکم، شرط، قاعده، بیان (قضیه) و هر آنچه که به محتوا وابسته باشد، تشکیل شده است. محتوای وحی نیز حالت تدبیری دارند. محتوا برای یک هدف آگاهانه انجام می گیرد؛ یعنی تمام موضوعات و مسائل، احکام، شرایط و اصولی که مطرح شده است و گزاره‌های آنها همگی ماهیت تدبیری داشته و در ورای تمام آنها هدفی بلند نهفته است.

در نتیجه سازمان یافتن حکیمانه ساختار و چنیش مفردات، کلمات، عبارات، آیات و سور قرآن کریم در کنار هماهنگی و انسجام محتوای وحی الهی حاکی از فعل تدبیری خداوند بودن قرآن کریم است.

دوم. حکیمانه بودن فعل وحی

افعال خدای سبحان حکیمانه و دارای مصلحت است و در عین حال باری تعالی محکوم و مقهور مصالح نیست (طباطبائی، المیزان، ۱۴۱۷: ۴۳۶/۲؛ هود/۲). از میان اسمای خداوند، نام‌های حکیم (نمل/۶)، علیم (غافر/۲) و عزیز (غافر/۲) در مقام تلقی و تنزيل قرآن انتخاب و ذکر شده است؛ تا بر نزول قرآن از سرچشمه حکمت، عزت و علم دلالت کند و روشن سازد که هیچ ناقضی نمی تواند آن را نقض کند و هیچ عامل وهنی نمی تواند آن را موهون سازد و هیچ دروغی در اخبار و هیچ خطایی در قضاوتش راه ندارد (طباطبائی، المیزان، ۱۴۱۷: ۳۴۲/۱۵).



۲. کارآمدی

کارآمدی به معنای انجام درست کارها به منظور به حداکثر رساندن نتایج است (ایران‌نژادپاریزی، سازمان و مدیریت از تئوری تا عمل، ۱۳۹۰: ۹). یکی از عرصه‌های هدایتی وحی، جهت‌گیری هدایتی یا تدبیری وحی در حوزه رفتار سازمانی است که در سه سطح فرد، گروه (جامعه) و سازمان قابل تعمیم و تطبیق است. براساس این پیش‌فرض می‌توان برداشت کرد که وحی برای هدایت و تدبیر امور فردی، اجتماعی و سازمانی پدید آمده است؛ زیرا جامعه و سازمان نمودهای انسان و به‌لحاظ هستی‌شناسی، پدیده‌های انسانی هستند. بدین سبب، همان‌گونه که وحی نقش هدایتی و تدبیری نسبت به اندیشه و رفتار (شخصیت و عمل) فرد انسانی دارد، به‌طور یقین، نقش هدایتی و تدبیری به جامعه و سازمان نیز دارد. اعتراف فرشتگان به عالمانه و حکیمانه بودن آفرینش انسان و انتخاب او برای خلافت (بقره/۳۲) از هدف‌های فرشتگان در توصیف خداوند به علیم و حکیم بودن- پس از اظهار تشکیک در شایستگی انسان برای خلافت- اعتراف و اقرار به ارزش والای انسان و عالمانه و حکیمانه بودن آفرینش اوست (هاشمی‌رفسنجانی، تفسیر راهنما، ۱۳۸۶: ۹۹/۱)؛ لکن انسان، به‌عنوان خلیفه خداوند، در مسیر هدایت و رسیدن به کمال، نیازمند راهنمایی و روشننگری خداوند متعال از طریق وحی است؛ چراکه عقل به‌عنوان حجت باطنی برای تأمین نیازهای هدایتی و تدبیری انسان کافی نیست و همین عقل حکم به یاری طلبیدن از وحی را در راستای رسیدن به هدایت و کمال می‌نماید (نساء/۱۱۳).

۳. غایت‌مندی

از آنجایی که سازمان ظرفی از پیش تعیین‌شده در راستای رسیدن به هدف است، برای رسیدن به اهداف سازمانی در حوزه انسانی فعالیت‌ها باید در قالب عقلانیت صورت پذیرد؛ یعنی هدفمند و بر پایه تدبیر و عقل (ایران‌نژادپاریزی، سازمان و مدیریت از تئوری تا عمل، ۱۳۹۰: ۱۸-۱۷)؛ لذا شاخصه افعال تدبیری بشر عقلانی بودن است و هرچه این فعالیت‌ها عقلانی‌تر باشند تدبیری‌تر خواهند بود. بنابراین در حوزه فعل انسان کمتر سخن از حکمت پیش خواهد آمد و حتی اگر متصف به حکمت شود به عقلانیت باز می‌گردد؛ ولی افعال و تدبیر خداوند متعال متصف به حکمت و حکیمانه بودن است.

آنچه در ابتدای امر به ذهن می‌رسد این است که حکمت مطلق بوده و عقلانیت محدود و در زیل آن قرار دارد؛ یعنی هر حکمتی عقلانی است و هر امر حکیمانه‌ای عقلانیت در آن است و این‌طور نیست که تمام آنچه عقلانیت گفته می‌شود و بشر بدان می‌رسد حکیمانه نیز باشد؛ زیرا عقل بشر محدود بوده و در چارچوب قدرت خود درک می‌کند. این نکته فراگیر بودن و ممتاز بودن وحی نسبت به

دانش بشری است. در دانش بشری سخن از عقلانیت است و در حوزه وحی حکیمانه بودن. رسالت وحی سوق دادن بشر به سمت حکمت و حکیمانه بودن است تا رفتارهای عقلانی در حوزه انسانی تبدیل به رفتارهای حکیمانه ای شوند که وحی تعلیم می فرماید؛ لذا وحی به دنبال این است که سازمان عقلانی تبدیل به سازمان حکیمانه، تصمیم گیری عقلانی تبدیل به تصمیم گیری حکیمانه، رفتارهای فردی و گروهی و سازمانی عقلانی تبدیل به رفتارهای حکیمانه الهی شوند؛ لذا وحی به حوزه سازمان و مدیریت که بر مبنای عقل پایه ریزی شده اند. صبغه حکمت و حکیمانه می دهد. وظیفه تفسیر مدیریتی این است که باید این صبغه را کشف و تبیین نماید. در نتیجه ماموریت تفسیر مدیریتی کشف و بیان صبغه حکیمانه بودن در حوزه سازمان و مدیریت است.

از طرفی دیگر، اساس شکل گیری زندگی اجتماعی، نیاز و برآوردن آنها است که این نیازها از ابتدای حیات بشر با او همزاد خواهد بود. با رشد و تحول در زندگی بشر در هر دوره برآورده کردن این نیازها در جامعه نیازمند تشکیل سازمان هایی است که موضوع علم مدیریت است. لذا آموزه های مدیریتی و مجموعه فرایندها، وظایف و مسایل پیرامون آن، بخش عمده ای از نیازهای هدایتی و تدبیری زندگی انسان اجتماعی و انسان سازمانی است که اهمیت و گستره ی آن، در هر دوره از زندگی نسبت به دوره های قبل آشکارتر شده است. تشکیل زندگی اجتماعی، تنها با ایجاد شبکه روابط انسانی در قالب نهادها و سازمان ها امکان پذیر است و آموزه های وحیانی، مطمئن ترین مسیر تبیین و ترسیم بایسته های حیات فردی، اجتماعی و سازمانی انسان است.

توصیف قرآن کریم به حکمت گاهی به متن باز می گردد؛ یعنی حکیم یعنی حکمت در آن تبلور یافته و مستقر شده (طباطبائی، المیزان، ۱۴۱۷: ۶۲/۱۷)، دارای استحکام و نظم و عاری از هرگونه باطل و خرافه و حق گو و داعی به حق (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۶۲: ۲۱/۸)، عدم اختلاف و تناقض در میان آیات و محفوظ ماندن از تحریف و تغییر (حقى برسوى، تفسیر روح البیان، ۱۴۰۵: ۳۶۶/۷)، محکم بودن از جهت حلال و حرام و امر و نهی (سمرقندی، تفسیر سمرقندی (بحرالعلوم)، ۱۴۱۶: ۱۱۵/۳)؛ و گاهی به ماتن بازمی گردد؛ یعنی کلامی که از سوی حکیم مطلق نازل شده است (کاشانی، منهج الصادقین، ۱۳۶۶: ۳۵/۴). و از سویی این کلام از سوی علیم مطلق نازل شده است که به ذره ذره حقایق عالم آگاه است.



ب. چهاروجهی بودن رویکردها و جهت صدور آیات

منطق دیگر برای تحلیل مدیریتی آیات و سوره‌های قرآن مبتنی بر چهار رویکرد ذیل است:

۱. رویکرد گزارشی

این رویکرد به معنای گزارش آیات الهی از تاریخ گذشتگان و همچنین از عصر نزول یعنی زمانی است که قرآن کریم از انسان‌هایی سخن می‌گوید که در آن زمان مخاطب آیات الهی قرار می‌گیرند. در این گزارش‌ها مسیر تعالی و همچنین انحراف در قالب شاخصه‌هایی مورد توجه قرار می‌گیرند و با مفهوم‌گیری نیز شاخصه‌های بیشتر قابل برداشت است. اگر با این رویکرد سوره‌های قرآن کریم تفسیر شود نگاه اول، نگاهی تاریخی به این سوره است که زمان نزول این آیات انسان‌ها این گونه بوده‌اند و سپس باید تحلیل شود که آیا این گزارش قابل تعمیم به دوره‌های بعد و الغاء خصوصیت از زمان نزول نیز است یا خیر و اگر قابل تعمیم است با چه چارچوبی می‌توان این دیدگاه را تعمیم داد. آنچه از آیات الهی در ابتدا به دست می‌آید این است که گزارش‌های قرآن کریم دوران گذشته جهت عبرت‌گیری است که در کلام وحی بر آن تصریح شده است (یوسف/۱۱۱) و این عبرت‌گیری بدون تعمیم‌پذیری و تکرارپذیری تاریخ معنای جامعی نخواهد یافت.

۲. رویکرد آینده نگری

رویکرد دوم، پیش‌بینی از آینده انسانی است. بنابر آموزه‌های دینی، انسان دارای حیات‌های متعددی است که از آن جمله حیات دنیوی، حیات برزخی، حیات قیامت، حیات جاودانه است. انسان‌ها در حیات آینده، یعنی بعد از حیات برزخی و قیامت یا جاودانه در بهشت می‌مانند یا دچار دوزخ خواهند شد. در دوران حیات دنیوی خداوند متعال سنت‌هایی را قرار داده است که از آموزه‌های قرآن کریم استخراج می‌گردد. این سنت‌ها قابل تعمیم بوده و شامل تمام انسان‌هایی که مقدمات چنین سنت‌هایی را دارا باشند، خواهد شد؛ مانند سنت امهال، سنت ابتلا و... این سنت‌ها را با رویکرد شبکه‌ای نسبت به آیات الهی می‌توان به دست آورد. این رویکرد برای انسان چشم‌اندازی را به تصویر می‌کشد که ابزار و سیر تعالی انسان‌ها و عوامل خسران را مشخص می‌سازد و از آنجایی که اعتقاد ما بر این است که این سخن از جانب حکیم صادر شده است در این پیش‌بینی هیچ ضریب خطایی وجود ندارد؛ زیرا حکیمی مطلق آن را پیش‌بینی کرده است. در مقایسه این دو رویکرد، رویکرد پیش‌بینی جامع‌تر و دقیق‌تر از رویکرد اول است.

۳. رویکرد تبیین طبیعت

سومین رویکرد بیان طبیعت انسان است. طبیعت انسان گرایش آزادی و یله بودن (قیامت/۵)، عیجول (اسراء/۱۱)، در خسران بودن (عصر/۲) و... را دارد که در آیات متعدد بیان شده است و به تبع آن سازمان‌ها نیز دارای چنین گرایش‌هایی می‌گردند و این طبیعت انسان، جامعه و سازمان است. به عنوان مثال بحث آنتروپی (گرایش به اضمحلال) که یکی از ویژگی‌های سازمان‌هاست قابل تعمیم بر انسان است. طبع انسان‌ها ویژگی آنتروپی سازمان را داراست؛ یعنی طبیعتش رو به خسران می‌رود و آنتروپی یک اصل حاکم بر انسان است؛ ولی می‌توان از این اصل خارج شد. در سازمان‌ها می‌توان آنتروپی را به تأخیر انداخت؛ ولی قابل حذف شدن نیست؛ ولی در قرآن کریم راهکارهایی را مطرح می‌کنند که به وسیله آنها می‌توان آنتروپی را حذف و از بین برده و دوام آن را تضمین کرد. راهکارهایی را که خداوند بیان داشته این است که هوشمندی سبب ماندگاری خواهد شد. سازمان‌هایی که هوشمند هستند گرفتار آنتروپی نخواهند شد. به عنوان نمونه راهکار قرآن کریم در سوره عصر برای جلوگیری از خسران و اضمحلال، ایمان، عمل صالح، تواضع به حق و تواضع به صبر است، با این راهکار انسان هر روز زنده بوده و دچار آنتروپی نخواهد شد و تغییر طبیعت خواهند داد. عناصر مخمل طبیعت سازمان در جامعه با توجه به آیات به دست می‌آید. با این بیان، این رویکرد با رویکرد قبلی بسیار متفاوت است.

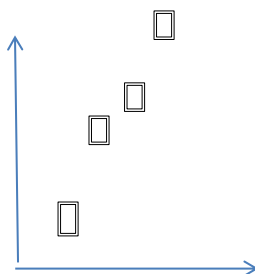
۴. ارائه مدل

آخرین رویکرد محتمل این است که با توجه به آیات الهی و صرف نظر از رویکردهای گزارش، پیش‌بینی و تبیین طبیعت می‌توان مدل‌های مختلفی برای کمال و تعالی و... استخراج کرد. به عنوان نمونه برای رسیدن به کمال و هدایت خداوند متعال در سوره عصر مدلی را معرفی می‌فرمایند که سیر و حرکت در مسیر این مدل سبب تعالی و رشد خواهد شد. در این مدل در یک سمت میزان اندیشه انسان‌ها مطرح می‌شود و در سویی دیگر رفتار بشر و محل تقاطع این دو خط نقطه، توقف خسران و نابودی بشر است. این مدل هم در سطح فردی و هم در سطح جمعی می‌تواند مطرح شود. مسیر کمال، حرکت در میان این دو خط است. هرچه به سمت تعالی برود از خسران بیرون آمده و هرچه به سمت پایین برود سقوط می‌کند. این مدل مدلول مطابقی، مدل و الگویی برای کمال و تعالی بشر است و به دلالت التزامی می‌تواند الگو و مدلی برای تباهی و فساد بشر نیز باشد.



اندیشه (حوزه نظری)

تعالی و کمال



ایمان و شناخت

رفتار

(حوزه عملی) عمل صالح (نقطه صفر (نقطه خسران و توقف)

سه. چارچوب عملیاتی

الف. منطق تبیین مفردات و عبارات‌های آیات و سوره

اولین گام برای ارائه برداشت‌های مدیریتی آیات در این مدل، تبیین مفردات و عبارات آیات و سوره قرآن است که به دو صورت قابل تحقق است.

۱. تعبدی - تحلیلی

یکی از منابع مهم روش‌های تفسیر، عقل و به‌کارگیری آن در راستای رسیدن به معارف الهی است. روشی که با استناد به آیات و روایات و به‌کارگیری ابزاری از آن به سوی رسیدن به مراد حرکت می‌کنند. این روش بین آموزه‌های وحی و عقل ارتباط برقرار کرده و با تعقل و تدبیر پیرامون آیات به استخراج معارف و مداخل آیات می‌پردازد. به‌کارگیری عقل در آیات فراوانی مورد تأکید قرار گرفته و پندپذیری (یوسف/۱۱۱) و شناخت حق (فصلت/ ۵۴) و... از اثرات و نتایج آن معرفی شده است. به‌کارگیری عباراتی چون «أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (مومنون/۸۰)؛ «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (نور/۶۱)؛ «إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ» (شعراء/۲۸)؛ «أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ» (یس/۶۲)؛ «لَا يَأْتِي لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (بقره/۱۶۴)؛ «لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (ابراهیم/۲۵)؛ «أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ» (سجده/۴) و... در بین آیات الهی حاکی از اهمیت دادن قرآن کریم به

عقل است تا جایی که یکی از علل دوزخی شدن را به کار نگرفتن آن معرفی می‌فرماید (ملک/۱۰). تشویق به تعقل و تفکر در سه حوزه طبیعت (یونس/۱۰۱)؛ تاریخ (آل عمران/۱۳۷) و درون خود انسان (فصلت/۵۴) صورت گرفته است؛ لذا استفاده از تفکر و تدبیر به عنوان ابزار در مورد طبیعت، تاریخ و نهاد انسان به عنوان منابع کسب معرفت مطرح شده است.

متعلق گزاره‌های قرآنی گاهی فعل است و گاهی متعلق آنها تعقل و عقلانیت است. آنچه از دایره عقلانیت خارج می‌شود را گاهی از روی تعبد باید بپذیریم که این نیز براساس حکم عقل است؛ چون عقل بشر محدود بوده و یارای درک تمام حقایق عالم را ندارد، نیازمند به تکیه بر عقل محض و غیر قابل تردید است و از آنجایی که مولی، عقلانیت محض است هرچه امر می‌کند نیز عقلانی بوده و با مصلحت انسان رابطه مستقیم دارد و در راستای مصلحت بشر است، پذیرش آن به صورت تعبدی، به حکم عقل است.

در رویکرد تعبدی - تحلیلی صرفاً به بعدی از ابعاد یا زاویه‌ای از زوایای آیات توجه نمی‌شود؛ بلکه در آیه‌ای ممکن است به طور هم‌زمان به جنبه‌های طبیعی، ماورایی، تاریخی و انسان شناختی توجه شود. با روش تعبدی - تحلیلی قرآن را در یک برداشت و چارچوب خاص و منحصر به فرد، نمی‌توان محدود ساخت. درواقع، می‌توان گفت قرآن از روشی تلفیقی و جامعی که به تمام ابعاد زندگی بشر بتواند انطباق یابد، استفاده کرده است؛ گاه تأکید بر جنبه‌های عقلانی نموده، گاه به سیر در آفاق و انفس توجه کرده و گاه به مطالعه تاریخ و عبرت از اقوام پیشین برای یافتن راهکاری مناسب برای زندگی فردی و اجتماعی صحیح تأکید ورزیده است؛ برای مثال، همان طور که در بیشتر مطالعات دینی، گریزی از ابزارها و روش‌های تاریخی نیست به طوری که گستره خاصی از دین پژوهی را شکل داده و مکاتب و روش‌های متنوع دین‌شناسی تاریخی را به وجود آورده است، قرآن نیز روش استدلالات تاریخی را به کار برده است و با هدف شناخت گذشته و بهره‌گیری از آن در پرتو آینده و تأمل در آینه زمان به منظور فهم عمیق حوادث و رسیدن به یک هستی‌شناسی دقیق، به تبیین مسائل پرداخته است.

قرآن کریم از پس پرده حقایق و حوادث عالم سخن گفته و آنها مختص خود می‌داند (بقره/۲۱۶) که این حقایق را با هیچ قوه و ادراکی نمی‌توان درک کرد، مگر به عنایت خداوند متعال. تعقل، تدبیر و تحلیل قصص قرآنی، ارائه راهکاری براساس تجربه گذشته در مسیر آینده و دیدن آینده گذشتگان یا شناخت سلف از روی خلف است. قرآن از توقف فرد در وضعیت مجرد و فعلی امور و توجه نکردن به عاقبت و سرانجام حوادث بر حذر می‌دارد.



محدودیت عقل در رسیدن به معارف و حقایق عالم نیاز به منبعی دیگر برای فهم آن را ضروری می‌نماید که با منطق دنیوی و مادی و پوزیتیویستی قابل تحلیل نیست و فهم آن نیاز به تغییر مبانی انسان‌شناسی و هستی‌شناسی مادی دارد. ریشه این مبانی به حکمت‌آمیز بودن افعال الهی باز می‌گردد. در یک جمع‌بندی کلی، گزاره‌های قرآنی شامل گزاره‌های اخباری که متشکل از گزاره‌های استدلالی - عقلانی، تاریخی و عینی و گزاره‌های انشایی که حاوی اوامر، نواهی، وعده و وعیدها، تعلیم نیایش‌ها و... و گزاره‌های داستانی است که هرکدام به روش خاصی از تحلیل توجه دارد (جوادی‌آملی، دین‌شناسی، ۱۳۸۳: ۹۹ - ۹۱). دایره تعبد بیشتر در حوزه گزاره‌های انشایی مطرح است و گزاره‌های اخباری و داستانی، تحلیل و استدلال بیشتری می‌طلبد و تعبد در این گزاره‌ها راه را بر رسیدن به معارف الهی مسدود خواهد نمود. هریک از گزاره‌های فوق مبتنی بر سه مبحث است.

۱. بحث شأن نزول‌ها یعنی تعبد به شأن نزول و محدود ساختن معارف آیات به علت و شأن نزول و تسری ندادن آنها به موارد مشابه و الغاء خصوصیت از آنها که این تعبد راه تحلیل را مسدود می‌سازد.
۲. قول لغوی‌ها و تعبد به حقایق لغوی و نداشتن تحلیل به معانی لغات مانع رسیدن به نتیجه در این مسیر و فهم مدالیل آیات خواهد شد.

۳. توقف بر روایات و اخبار (تعبد بر تاریخ و روایات) نیز مانع تحلیل شده و سبب رکود در این مسیر خواهد شد؛ زیرا اخباریون تا جایی به حرکت خود ادامه خواهند داد که روایت وجود داشته باشد و اگر روایتی نباشد فراتر نرفته و سکوت خواهند کرد.

نکته حائز اهمیت اینکه رویکرد تحلیلی به دنبال بی اعتبار کردن شأن نزولها و اقوال لغویین و اخبار و روایات نمی‌باشد بلکه به آنها به عنوان منابع و داده‌های اولیه برای تحلیل نگاه شده و زمینه‌ای برای حرکت در مسیر استخراج مدالیل مدیریتی قرآن دانسته می‌شود که اگر با دید تعبدی به مطالب فوق نگریسته شود باعث رکود خواهد گشت.

به طور مثال از یک سوره با توجه به چند منبع تفسیری مسائل مختلفی استخراج می‌شود و با عنایت به شیوه و ادله مورد استفاده، اشتراکات و افتراقات آنها ارائه می‌گردد و در نهایت تحلیل و نتیجه‌گیری حاصل می‌شود؛ لذا این مبنا به دنبال بی اعتبار ساختن تعبد یا کم‌رنگ کردن تعقل نیست؛ بلکه دایره تعبدیات از آنچه باید تعقل و تحلیل شود جدا شده و تنها در جایی مطرح می‌شود که عقل با قدرت استدلال خود یاری رسیدن به آن معارف را ندارد؛ بنابراین در گزاره‌های تاریخی می‌توان براساس شباهت‌های تاریخ به یکدیگر (توبه/۶۹) و یکسان بودن سنتهای الهی، سرنوشت امت‌ها را تحلیل و نتیجه‌گیری کرده و به کار بست.

۲. سیستمی - شبکه‌ای

دیدگاه شبکه‌ای یا سیستمی بیانگر نگرش سیستمی و فراگیر به مفاهیم قرآن کریم و بازشناسی معنای یک مفهوم در پرتو کل متن است؛ یعنی برای شناخت و تفسیر معانی سخن هر گوینده یا نویسنده‌ای، رجوع به سایر گفته‌ها و نوشته‌های اوست؛ لذا گفته‌ها و نوشته‌های هر شخصی منبع قابل توجهی برای تفهیم و رسیدن به مقصود وی به شمار می‌رود. به عبارتی دیگر، برای تفسیر مفاهیم یک متن و کشف مراد آنها و رسیدن به معنای نهایی آن مفهوم از دید گوینده یا نویسنده، نمی‌توان تنها به فهم لغوی از واژه‌ها و فهم دستوری جمله‌ها اکتفا کرد؛ بلکه علاوه بر آن باید نگاه شبکه‌ای یا سیستمی به کل آن متن داشته، معنای آن مفهوم را در خلال کل متن جستجو و تحلیل کرد. قرآن کریم به‌عنوان یک متن منسجم و یک کل که تمام اجزاء آن نسبت به یکدیگر دارای ارتباط معنایی هستند، از این دیدگاه مستثنی نبوده، لازمه بیانگری و نورانیت قرآن اقتضا دارد که نسبت به ارائه مقاصد خود روشنگری متناسب با غرض داشته باشد و این غرض جز در سایه نگرش شبکه‌ای و سیستمی به آیات قابل دستیابی نیست. بدین رو لازم است که برای تشریح و تحلیل هر مفهوم قرآنی، سراسر قرآن به دقت نگریسته شود، آیات مرتبط با یک موضوع با یکدیگر مقایسه و تحلیل گردد و نگرش گسسته و غیرناظر در تفسیر قرآن و دستیابی به مقصود آن را تلاشی ناکام تلقی نماید (مطهری، آشنایی با قرآن، ۱۳۶۸: ۱۳۳/۳)؛ و نگرش شبکه‌ای یا سیستمی را منشأ دستیابی به نظریه قرآن در مفاهیم آن بدانند. توصیف قرآن کریم به خلو از اختلاف و تناقض ذاتی (نساء/۸۲)، نزول از منبع محکم استوار و مطمئن (هود/۱)، متشابه و مثنایی بودن (زمر/۲۳) و توبیخ کسانی که در دایره مقتسمین قرار داشته‌اند (حجر/۹۱) حاکی از نظم شبکه‌ای و سیستمی است که در آن وجود دارد.

منطق شبکه‌ای، قرآن را بسان متنی می‌داند که اول و آخر آن به هم مرتبط بوده، در درون حلقه یا شبکه‌ای از الفاظ و دلالت‌ها، حقایقی را بیان می‌کنند. اینکه در روایات، ابتدای قرآن را بر انتهای آن جاری دانسته‌اند؛ مانند روایت نقل شده از امام باقر (علیه السلام): «... و لکن القرآن یجری اوله علی آخره ما دامت السموات و الارض» (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۱۱۵/۸۹)؛ خود شاهدی است بر هماهنگی همه بخش‌های قرآن در بیان حقایق که هر بخش در بافت و سیاق خاص خود به کار رفته است.

لذا واقعیت این است که «قرآن دارای نظام خاص محتوایی است، به گونه‌ای که واقعیت‌های گوناگون به صورت شبکه‌ای با یکدیگر مرتبط و پیوستگی یافته‌است، چنان‌که اگر یک آیه بر یک معنا دلالت کند به لحاظ ارتباط شبکه‌ای که بین آن معنی و معانی دیگر وجود دارد چند معنای دیگر نیز در حوزه دلالت آیه قرار می‌گیرد (غزنوی، راز و رمز ژرفای قرآن، ۱۳۸۶: ۳۲).



بنابراین نگاه به آیات قرآن کریم به دو گونه است:

۱. نگاه جزءگرایانه که با رویکرد خطی و نقطه‌ای سازگار است؛
 ۲. نگاه کل‌گرایانه که با رویکرد سیستمی و شبکه‌ای سازگاری دارد که این نگاه در گزاره‌ها، احکام، اصول و مبانی قابل تسری است. از این بحث در فقه، به مضائق شریعت یاد می‌شود. مراد از کلیت قرآن، نگاه به مجموعه آیات الهی و به عبارتی دیگر رویکرد شبکه‌ای و سیستمی است که در اصول از آن به روح قرآن تعبیر می‌شود.
- در بحث نگاه به قرآن گاهی عرضه روایات به قرآن جهت احراز اعتبار است و گاهی اعتبارسنجی ظهور اولیه از یک آیه است.
- مثال: آیه «يُدُّ اللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» (فتح / ۱۰)؛ در راستای تفسیر آیه پس از توجه به ظهور اولیه یا بدوی که اعتقاد به حجیت آن داریم. برای اعتبارسنجی، این ظهور را به کل (شبکه و محکومات قرآن کریم) عرضه می‌داریم و اگر در این عرضه، ظهور اولیه با این کل ناسازگار باشد، در نتیجه ظهور اولیه و بدوی از اعتبار ساقط خواهد شد. با عرضه ظهور قرآن به روح آن به این نتیجه می‌رسیم که از آنجایی که وجود خداوند متعال، وجودی مجرد بوده و در قالب ماده قرار نمی‌گیرد؛ لذا دارای دست و پا نیست و این ظهور آیه با روح قرآن کریم ناسازگار است.
- لذا در عرضه یافته‌های علمی به قرآن کریم که در قالب تفسیر علمی مطرح می‌شود، یافته‌های قطعی علوم مختلف نجوم، پزشکی، اقتصاد، مدیریت و... را بر روح قرآن عرضه کرده و در صورتی که با روح قرآن تطبیق نموده و ناسازگار نباشد، پذیرفته خواهد شد.
- اگر رویکرد شبکه‌ای مورد پذیرش واقع نگردد در عرصه‌های شأن نزول، قول لغویین و اخبار و روایات باید مانند اخباریون توقف شود.
- رویکرد شبکه‌ای به عنوان مبنای محکمی در مسیر برداشت‌های علمی تفسیری ارائه می‌گردد و در سایه این مبنای عمیق، اعتبارسنجی ظهورات بدوی آیات و همچنین اعتبارسنجی آیات الهی با یافته‌های علوم قابل حل بوده، تناقضات مورد ادعای مستشرقان راجع به آیات الهی رد شده و جواب خواهد یافت؛ لذا وقتی یافته‌ای از مدیریت به قرآن کریم عرضه می‌شود برای احراز اعتبار این یافته دو نوع عرضه داریم. نخست، گاهی این عرضه به نص قرآن کریم (الفاظ قرآن یا متن قرآن) است. دوم، گاهی عرضه به روح قرآن کریم است.
- در این راستا احتمال دارد یافته مدیریتی با الفاظ قرآن کریم به ظاهر مخالف باشد که این مخالفت سبب طرد آن یافته‌ها از سوی برخی گردد؛ لیکن می‌توان یافته‌های علمی مدیریتی را بر روح قرآن کریم

عرضه کنیم. مراد از روح قرآن اصول کلی حاکم بر آیات قرآن است، حتی امکان دارد که برای استخراج اصلی کلی حتی یک آیه مشخص نیز وجود نداشته باشد.

با رویکرد شبکه‌ای نمی‌توان یک آیه را به تنهایی تفسیر کرد؛ زیرا قطعاً این آیه در یک شبکه از آیات قرار دارد. شبکه‌های آیات قرآن شامل یک صورت ظاهری یعنی یک شبکه از آیات و ظهور آیات و همچنین شبکه‌ای از محتوای آیات است که باید کشف و تبیین شود که ممکن است این شبکه به‌طور کامل یا جزئی از آن کشف گردد. به بیانی دیگر شبکه‌ای بودن آیات تأسیسی نیست؛ بلکه اکتشافی بوده و نیاز به تفحص و تدبر دارد.

با چنین دیدگاهی برخلاف فهم کسانی که با ظاهر آیات اقدام به تفسیر می‌کنند، نظرات جدیدی ارائه می‌شود؛ لکن دیدگاه‌های تفسیری معصومان علیهم‌السلام تعبداً پذیرفته خواهد شد؛ بنابراین ساختار نظام‌مند قرآن حاکی از روابط شبکه‌ای و دورانی میان بخش‌های واژگانی و ترکیبی آن است؛ مثلاً یک آیه با واژگان خود، آیه‌های خویشاوندی در سوره‌های دیگر دارد و با آن‌ها یک الگوی انسجام ساختاری واژگانی می‌سازد آن هم در قالب نظامی که آهنگ آیه‌ها آن را هدایت می‌کند. «این نگاه ساختاری و شبکه‌ای به معانی، این امکان را برای ما فراهم می‌کند که معانی را در یک مجموعه‌ای از رابطه‌های نقشی، کارکردی در کنار هم بینیم (پاکتچی، درس گفتارهای معنا شناسی، بی تا: ۱۹).

نتیجه: تفسیر مدیریتی موضوعی یا ترتیبی باید در قالب رویکرد شبکه‌ای ارائه شود والا تفسیری ناقص خواهد بود. از آنجا که دعوت قرآن به آیات، دعوت به کل قرآن و مجموعه آن است و آیات گوناگونی (نساء/۸۲؛ ص/۲۹؛ توبه/۱۲۲) می‌رساند که دین مجموعه شریعت است؛ لذا باید با در نظر داشت شبکه آیات و روح قرآن به مراد جدی مدالیل مدیریتی قرآن کریم دست یافت.

ب. برابند معرفتی - دانشی

۱. شبکه‌ای از مفاهیم و گزاره‌های معنادار، غایتمند و کارآمد

براساس رویکرد شبکه‌ای - سیستمی، می‌توان شبکه مفاهیم، سوره یا آیه را نیز تحلیل کرد؛ زیرا آیه کوچک‌ترین واحد و جزء تشکیل‌دهنده نظام جامع ساختاری و معنایی قرآن کریم است که از ترکیب آیات، سوره‌های قرآن کریم و از ترکیب سوره‌ها، مجموعه کامل کتاب الهی به وجود آمده است. جابر بن یزید جعفی نقل می‌کند که امام باقر علیه‌السلام فرمود: «انَّ الْآيَةَ أَوْلَهَا فِي شَيْءٍ وَأَوْسَطُهَا فِي شَيْءٍ وَآخِرُهَا فِي شَيْءٍ وَهُوَ كَلَامٌ مُتَّصِلٌ؛ آیات قرآن با اینکه غالباً اول آیه قرآن درباره موضوعی و وسط آیه درباره موضوع دیگر و آخر آن درباره موضوع سومی است؛ اما وحدت و پیوستگی آیات قرآن محفوظ شده و همگی کلام واحدی‌اند.» (عیاشی، تفسیر عیاشی، بی تا: ۱۱/۱)



از سوی دیگر، هر سوره غرض واحد و مختص به خود دارد که با پایان یافتن آن هدف، سوره خاتمه می‌یابد و هرکدام از سوره‌ها، یک واحد جامع و جزء مستقل کاملی را تشکیل می‌دهند و نظام ساختاری و معنایی منحصر به فردی دارند. طبق نظر علامه طباطبائی، آیات هر سوره، نوعی وحدت تألیفی دارند (طباطبائی، المیزان، ۱۴۱۷: ۱۶/۱).

افزون بر آن، مجموع قرآن کریم با وجود تنوع و گستردگی فراوان موضوعات، مفاهیم و آموزه‌های قرآنی، از نظام معنایی واحد و شبکه معرفتی جامعی برخوردار است که کوچک‌ترین جزء معنایی آن، بدون دسترسی به اصول بنیادهای معرفتی قرآن، قابل درک و فهم کامل نیست و مجموعه موضوعات و مفاهیم و آموزه‌های مختلف قرآن، درباره یک محور و موضوع اصلی (هدایت و سعادت انسان در سایه توحید، یکتاپرستی و خداگونگی) انسجام یافته است (لطفی، درآمدی بر مطالعه قرآن به روش سیستمی و با رویکرد شبکه‌ای، ۱۳۸۹: ۱۰-۲۰). این سه سطح یادشده مفاهیم، افزون بر اینکه اولی مخصوص یک یا چند آیه، دومی مربوط به یک سوره و سومی مربوط به همه قرآن است، تفاوت دیگری نیز دارد. ممکن است سطح اول تنها ناظر به تأثیر یکجانبه رخدادهای خاص، ولی در سطح سوره و همچنین کل قرآن سخن از تعامل و تعاطی (تأثیر دوجانبه) فضای بیرونی با نزول سوره یا جو جهانی با نزول مجموع قرآن است. راهیابی به معارف قرآن کریم تا حدودی درگرو آگاهی از هر سه سطح از مفاهیم آیات است. آنچه باید در ارائه تفسیر مدیریتی مورد توجه واقع شود، ترسیم فضای نزول آیات و سور است که باید به همه احوال و اموری که به نحوی شرایط عمومی جامعه را تحت الشعاع قرار می‌دهند و فضای سیاسی و مدیریتی خاصی را می‌آفرینند توجه نمود. نه تنها شرایط سیاسی، بلکه شرایط مدیریتی جامعه نیز باید در ترسیم فضای نزول سوره مورد توجه واقع شود.

۲. کشف روابط مابین مفاهیم و گزاره‌ها

میزان گرایش یک جامعه به علم و ایمان، گسترش نهادهای اجتماعی و سازمان‌ها، اقبال عمومی به پیروی از مدیران الهی، آداب و رسوم اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه، همگی در ترسیم فضای حاکم بر یک جامعه در زمان خاص تأثیر بسزایی دارد. ازاین‌رو همه آن‌ها باید در تعیین فضای نزول سوره مدنظر باشند تا غرض اصلی سوره به درستی تشخیص داده شود. دژاز در تحلیل خود از انسجام درونی و محتوایی آیات الهی، قرآن را بسان بدن انسان فرض کرد که در قالب یک شبکه بین شریان‌ها و مفصل‌های آن نظم و هماهنگی برقرار است و در عین دقت در تقسیم وظائف هر بخش از این شبکه، همه این سیستم به سمت هدف واحدی ایفای نقش می‌نمایند (دژاز، النبا العظیم، ۱۹۷۰: ۱۵۵-۱۵۸).

علوانی هم ساختمان قرآن را استوار بر یک بنایی دانست که در آن هیچ گونه اعوجاج، تجزیه و تناقض و تعارضی وجود ندارد. با این پیش فرض که قرآن اولاً به ضرورت شرایط تعلیم و تعلم و نزول تدریجی و ثانیاً چون برای انسان سخت بود که تمام صفات قرآن را در یک جمله یا سخن واحد دریافت کند، دارای آیات و سوره‌های متعددی شد (علوانی، الوحدة البنائية للقرآن المجید، ۱۴۲۷: ۱۴).

برای ایجاد شبکه مفاهیم آیات و سور ابتدا باید عنصر محوری و اصلی سیستم شناسایی شود که تمام موضوع‌ها و اعضا حول چه محوری است و همچنین وزن هر موضوعی باید مشخص شود. به عبارتی دیگر در شبکه آیات باید بدانیم کدام یک از عناصر، بار اصلی سوره را به دوش می‌کشد. این محور اصلی را فراهی «عمود سوره» اطلاق می‌کند. با این توضیح که آیات هر سوره تنها زمانی مفهوم کامل خود را آشکار می‌کند که این عمود کشف شده و محوریت آن در سوره تصدیق گردد (فراهی هندی، نظام القرآن و تأویل الفرقان بالفرقان، ۱۴۲۰: ۵؛ ذوقی، «نگره‌ای جدید درباره انسجام متنی سوره‌های قرآن کریم»، ۱۳۹۲: ۱۵۹)؛ لذا شبکه اصلی آیات براساس دلالت مطابقی بوده و مفاهیم اصلی از آن منتزع می‌شود و مفاهیم فرعی براساس دلالت التزامی به دست خواهند آمد و از مجموع آن مفاهیم، جهت صدور آیه یا سوره قابل استنباط است؛ لذا کشف روابط مابین مفاهیم و گزاره‌های مدیریتی در سه سطح مطرح است.

الف. معانی مدیریتی آیات و سوره‌ها

یکی از زیربناهای اصلی برای تفسیر، آگاهی از معانی مفردات آیات و سور است؛ زیرا برای فهمیدن معانی آیات باید از مفردات آنها آگاهی داشته باشیم؛ لکن باتوجه به دگرگونی معانی الفاظ در این گام باید باتوجه به ریشه آنها معانی ریشه‌ای و از بین معانی ریشه‌ای معانی مدیریتی آیات و سور استخراج شود.

ب. مقاصد مدیریتی آیات و سوره‌ها

هر سوره دارای هدف یا اهداف خاصی است که تمامی آیات سوره حول محور این هدف یا اهداف سامان می‌یابد. پس از دستیابی به این محور اصلی شبکه معنایی در آیات به ظاهر متفرق یک سوره ایجاد می‌شود و مقاصد مدیریتی آیات تفکیک و استخراج می‌گردد.

ج. مدالیل مدیریتی آیات و سوره‌ها

درنهایت دلالت‌های مدیریتی آیات مورد نظر استخراج و دسته‌بندی خواهد شد.



نتیجه

متن آیات الهی دارای ویژگی‌هایی است که در روش تفسیری سنتی و گذشته کمتر به آنها توجه شده است و توجه به آنها می‌تواند نگرش‌های جدید در ارائه تفسیر مدیریتی به وجود آورد. برای ارائه روش تفسیر مدیریتی، باید چهارچوب‌های نظری و عملیاتی را مدنظر قرار داده و براساس آنها به این مهم دست یافت. در بُعد نظری یکی از مبانی، بُعد فعل تدبیری و حکیمانه بودن وحی الهی است که در سه حوزه معناداری، کارآمدی و غایت‌مندی فعل وحی مطرح می‌شود و مبنای دیگر، رویکرد چهاروجهی و جهت صدور آیات است که در قالب گزارشی، آینده‌نگری، تبیین طبیعت و ارائه مدل، مباحثی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در چهارچوب عملیاتی ابتدا به تبیین مفردات و عبارات آیات و سور به صورت تعبدی - تحلیلی و همچنین سیستمی - شبکه‌ای پرداخته و با به دست آوردن شبکه‌ای از مفاهیم و گزاره‌های معنادار، کارآمد و غایت‌مند مدیریتی، به کشف روابط میان مفاهیم آنها می‌پردازیم. برای ایجاد شبکه مفاهیم آیات و سور ابتدا باید عنصر محوری و اصلی یعنی موضوعی که بار اصلی سوره را به دوش می‌کشد (عمود سوره)، شناسایی شود. همچنین وزن هر موضوعی باید مشخص شود؛ زیرا آیات هر سوره تنها زمانی مفهوم کامل خود را آشکار می‌کند که این عمود کشف شده و محوریت آن در سوره تصدیق گردد. در نهایت شبکه اصلی آیات براساس دلالت مطابقی کشف شده و مفاهیم اصلی از آن منتزع می‌شود و مفاهیم فرعی براساس دلالت التزامی به دست خواهند آمد و از مجموع آن مفاهیم، جهت صدور آیه یا سوره، معانی، مقاصد و مدالیل مدیریتی آنها قابل استنباط است. رعایت مبانی و مراحل این روش و توجه به آنها می‌تواند مسیر تفسیر مدیریتی را متحول ساخته، انسجام درونی متن کلام الهی و هم‌پوشانی نشانه‌ها و دلالت‌های آیات را به اثبات رساند و زمینه‌ای برای فهم و برداشت مدیریتی قرآن کریم باشد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعه المصطفی، انتشارات المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. ابن منظور، لسان العرب، به کوشش علی شیر، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
۳. الوانی، سیدمهدی، مدیریت عمومی، تهران: نی، ۱۳۹۰.
۴. ایران نژادپاریزی، مهدی، سازمان و مدیریت از تئوری تا عمل، تهران: مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران، ۱۳۹۰.
۵. باقرالموسوی، محسن، مدیریت و نظام اداری از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، ترجمه: دکتر سید حسین سیدی، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی (به نشر)، چاپ سوم سال ۱۳۸۴.
۶. پاکتچی، احمد، درس گفتارهای معناشناسی، وبلاگ تحقیقات قرآن و حدیث، بی تا.
۷. پاکروان، محسن، فرهنگ فارسی سره، تهران: نقش مانا، ۱۳۹۴ ش.
۸. پهلوانی، مرتضی، واکاوی نقش و خصوصیات رفتاری مدیران دینی در تعالی بخشی اخلاق کاربردی اجتماعی از دیدگاه قرآن و حدیث، فصلنامه قرآن و علوم اجتماعی، سال ۳، شماره ۲، ۱۴۰۲ ش.
۹. جوادی آملی، عبدالله، دین شناسی، قم: اسراء، چاپ سوم، ۱۳۸۳ ش.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، انتظار بشر از دین، تحقیق، علی اسلامی، قم: اسراء، چاپ پنجم، ۱۳۸۷.
۱۱. حقی برسوی، اسماعیل، روح البیان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۵ ق.
۱۲. حکیمی، عبدالمومن و لطفی، امیرعلی، منطق تحلیل مدیریتی آیات و سوره های قرآن (مدل پنج وجهی)، چاپ نشده.
۱۳. دراز، محمد عبدالله، النبأ العظیم؛ نظرات جدید فی القرآن، کویت: دارالقلم، ۱۹۷۰.
۱۴. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، زیر نظر سیدجعفر شهیدی و محمد معین، تهران: روزبه، ۱۳۷۳.
۱۵. ذوقی، امین، «نگره ای جدید درباره انسجام متنی سوره های قرآن کریم»، دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث، سال ششم، شماره دوم، ۱۳۹۲.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق محمدسید گیلانی، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
۱۷. سمرقندی، نصر بن محمد، تفسیر سمرقندی (بحرالعلوم)، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۶.
۱۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷.
۱۹. علاقه بند، علی، مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی، تهران: روان، چاپ هفدهم (ویراست پنجم)، ۱۳۸۴.



۲۰. علوانی، جابر طه، الوحدة البنائية للقرآن المجید، القاهرة: مكتبة الشروق الدولية، ۱۴۲۷
۲۱. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۴ ش.
۲۲. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، به کوشش رسولی محلاتی، تهران: المكتبة العلمية الاسلامیه، بی تا.
۲۳. غزنوی، موسی، «راز و رمز ژرفای قرآن»، فصلنامه کوثر، سال پنجم، شماره ۱۸، ۱۳۸۶
۲۴. فراهی هندی، عبد الحمید، نظام القرآن و تأویل الفرقان بالفرقان، هند: الدائرة الحمیدیة، ۱۴۲۰ ق.
۲۵. کاشانی، فتح الله بن شکرالله، تفسیر منهج الصادقین، مصحح: ابوالحسن شعرانی و علی اکبر غفاری، تهران: کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۶۶ ش.
۲۶. کونتز، هرولد؛ سیریل اودنل؛ هاینز ویهریخ، اصول مدیریت، ترجمه محمدعلی طوسی، امین الله علوی، علی اکبر فرهنگی، اکبر مهدویان، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ پنجم، ۱۳۸۵.
۲۷. لطفی، امیرعلی، درآمدی بر مطالعه قرآن به روش سیستمی و با رویکرد شبکه‌ای، دو فصلنامه قرآن و علم، سال چهارم، شماره ۶، تابستان و بهار ۱۳۸۹.
۲۸. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.
۲۹. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، تهران: صدرا، چاپ چهارم، ۱۳۶۸.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، با همکاری جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، دار الکتب الاسلامیه، تهران: چاپ نهم، ۱۳۸۶ ش.
۳۲. مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۳۳. طوسی، محمد بن محمد نصیرالدین، کشف المراد فی تجرید الاعتقاد، ترجمه و شرح، ابوالحسن شعرانی، تهران: کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۷۲ ش.
۳۴. هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
35. Rznzyvg, Management is coordination of human and material resources in order to achieve the Goals, 1974.
36. Forrester, Management is the process of converting information into action. This process may be called Decisions. 1962.
37. Donnelly et al, Management is process integrates individual and group activities in the goals of the group. 1971.

References

1. Quran –e – *Karim (Th Holy Quran)*, Mohammad Ali Rezaei Esfahani and A Group of Professors from Al-Mustafa University, Al-Mustafa International Publications, Qom: 2nd Edition, 1388 SH (2009 CE).
2. Alavani, Seyyed Mehdi, *Modiriyat Omumi (Public Management)*, Tehran: Ney, 1390 (2011 CE).
3. Alwani, Jabir Taher, *Al-Wahdat al-Bunaiyah li al-Quran al-Majid*, Cairo: Maktabat al-Shorouq al-Dawliyah, 1427 AH.
4. Ayyashi, Mohammad bin Masoud, *Tafsir al-Ayyashi*, Edited by Resouli Mehlaati, Tehran: Al-Maktabah Al-Elmiyyah Al-Islamiyah, n.d.
5. Baqer al-Mousavi, Mohsen, *Modiriyat va Nezam-e Edari az Didgah-e Imam Ali (AS) (Management and Administrative System from the Perspective of Imam Ali (AS))*, Translated by Dr. Seyyed Hossein Seyyedi, Astan Quds Razavi Publishing Institute, 3rd Edition, 1384 SH (2005 CE).
6. Darrāz, Mohammad Abdullah, *Al-Naba' al-Azim; Nazarat Jadid fi al-Quran (The Great Tiding; New Perspective on the Quran)*, Kuwait: Dar al-Qalam, 1970 CE.
7. Dehkhoda, Ali Akbar, *Loghatnameh (Dictionary)*, Edited by Seyyed Ja'far Shahidi and Mohammad Moin, Tehran: Roozbeh, 1373 SH (1994 CE).
8. Pahlavani, Morteza, *Vakavi-e Naqsh va Khososiat-e Raftar-e Modiran-e Dini dar Ta'ali-Bakhsi Akhlaq Karbordi Ejtema'i az Didgah-e Quran va Hadith (Exploring the Role and Characteristics of Religious Managers' Behavior in Promoting Applied Social Ethics from the Perspective of the Quran and Hadith)*, Faslname-ye Quran va Olum-e Ejtemai (Quran and Social Sciences Quarterly), Year 3, No. 2, 1402 SH (2023 CE).
9. Donnelly et al, *Management Is Process Integrates Individual and Group Activities in the Goals of the Group*.1971.
10. Farahi Hendi, Abdul Hamid, *Nazm al-Quran va Tawil al-Furqan*, India: Al-Dar al-Hamidiyah, 1420 AH.
11. Forrester, *Management Is The Process Of Converting Information Into Action. This Process May Be Called Decisions*. 1962.
12. Ghaznavi, Mosi, "*Raz va Ramz-e Jarfai-ye Quran (The Secret of the Depth of the Quran)*", Kowsar Quarterly, Year 5, No. 18, 1386 SH (2007 CE).
13. Hakimi, Abdolmomen and Lotfi, Amir Ali, *Manteq-e Tahqiqi-ye Ayat va Sura-haye Quran (Model-e Panj Vajhi) (Logical Analysis Method of Quran Verses and Surahs)*, unpublished.
14. Haqqi Barsovi, Ismaeil, *Ruh al-Bayan (Spirit of Elucidation)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 7th Edition, 1405 AH (1985 CE).
15. Hashemi Rafsanjani, Akbar, *Tafsir Rahnama (Guidance Commentary)*, Qom: Bustan-e Ketab, 1386 SH (2007 CE).



16. Ibn Manzur, *Lisan al-Arab (The Tongue of the Arabs)*, Edited by Ali Shiri, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1408 AH (1988 CE).
17. Irannejad Parizi, Mehdi, *Sazman va Modiriyat az Nazari ta Amal (Organization and Management from Theory to Practice)*, Tehran: Higher Institute of Banking Education of Iran, 1390 (2011 CE).
18. Javadi Amoli, Abdullah, *Dinshenasi (Theology)*, Qom: Esra, 3rd Edition, 1383 SH (2004 CE).
19. Javadi Amoli, Abdullah, *Entezar Bashar az Din (Human Expectation from Religion)*, Researched by Ali Islami, Qom: Esra, 5th Edition, 1387 SH (2008 CE).
20. Kashani, Fathullah bin Shukrullah, *Tafsir Manhaj al-Sadiqain*, Edited by Abolhasan Shoarani and Ali Akbar Ghaffari, Tehran: Ketabforushi Islamiyah, 1366 SH (1987 CE).
21. Koontz, Harold; O'Donnell, Cyril; Weihrich, Heinz, *Osul-e Modiriyat (Principles of Management)*, Translated by Mohammad Ali Tousi, Aminollah Alvai, Ali Akbar Farhangi, Akbar Mahdavian, Tehran: Management Training Center of the Government, 5th Edition, 1385 SH (2006 CE).
22. Lotfi, Amir Ali, *Daramad-i bar Motale'e-ye Quran be Ravesh-e Systemi va ba Rowkard-e Shebekayi (Introduction to the Study of the Quran in a Systemic and Network Approach)*, Journal of Quran and Science, Year 4, No. 6, Summer and Spring 1389 SH (2010 CE).
23. Majlisi, Mohammad Baqer bin Mohammad Taqi, *Bihar al-Anwar al-Jami'ah li Durar Akhbar al-A'imma al-Athar*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 2nd Edition, 1403 AH (1983 CE).
24. Makarem Shirazi, Naser, *Payam-e Quran (The Message of Quran)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 9th Edition, 1386 SH (2007 CE).
25. Makarem Shirazi, Naser, *Tafsir-e Nemouneh (Exemplary Interpretation)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 1362 SH (1983 CE).
26. Mehyar, Reza, *Farhang Abjadi (Alphabetic Dictionary)*, Tehran: Islamic Publications, 1375 SH (1996 CE).
27. Motahhari, Morteza, *Ashna'i ba Quran (Introduction to the Quran)*, Tehran: Sadra, 4th Edition, 1368 SH (1989 CE).
28. Olaqebend, Ali, *Mabani Nazari va Usul-e Modiriyat Amoozi (Theoretical Foundations and Principles of Educational Management)*, Tehran: Ravān, 17th Edition (5th revision), 1384 SH (2005 CE).
29. Omeed, Hassan, *Farhang Ameer (Ameer Dictionary)*, Tehran: Amir Kabir, 1384 SH (2005 CE).
30. Paketchi, Ahmad, *Darsgoftay-e Ma'nashenasi (Lectures on Semantics)*, Quran and Hadith Research Blog.

31. Pakrouvan, Mohsen, *Farhang-e Farsi Sareh (Persian Glossary)*, Tehran: Negah Mana, 1394 SH (2015 CE).
32. Raghīb Esfahani, Hossein bin Mohammad, *Al-Mufradat fi Gharib al-Quran*, Researched by Mohammad Seyyed Gilani, Beirut: Dar al-Ma'arif, n.d.
33. Rznzvyg, *Management Is Coordination Of Human And Material Resources In Order To Achieve The Goals*, 1974.
34. Samarqandi, Nasir bin Mohammad, *Tafsir Samarqandi (Bahr al-'Ulum)*, Beirut: Dar al-Fikr, 1416 AH.
35. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*, Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 1417 AH (1996 CE).
36. Tousi, Mohammad bin Mohammad Nasir al-Din, *Kashf al-Murad fi Tajrid al-Itiqad*, Translated and Explained by Abolhasan Sha'rani, Tehran: Ketabforushi Islamiyyah, 1372 SH (1993 CE).
37. Zawqi, Amin, *Negare'i Jadid darbare-ye Ensejam Matni-ye Sura-haye Quran Karim (A New Perspective on the Textual Cohesion of Quranic Verses)*, Journal of Quranic and Hadith Studies, Vol. 6, No. 2, 1392 SH (2013 CE).